



The Jurisprudential–Criminal Standard for Attributing the Result of Ifsad to the Perpetrator in Network-Based Economic Disruptions: Reconsidering Causation in Light of Article 286 of the Islamic Penal Code

Mohsen Falakinafchi¹, Karim Salehi^{2*}, Khatereh Shahinfard¹

1. Department of Law, Shk.C, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran.

2. Department of Law, Shk.C, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran. (Corresponding Author)

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 123-139

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0002-5297-4152

TELL: +989125788093

Email: ksalehi@iaui.ir

Article history:

Received: 15 Jan 2026

Revised: 27 Feb 2026

Accepted: 09 Mar 2026

Published online: 21 Mar 2026

Keywords:

Ifsad fi al-Ard, Network-Based Economic Disruption, Causation, Attribution of Result, Article 286.

ABSTRACT

Network-based economic disruptions often result from a combination of coordinated conduct, organizational division of roles, and the cumulative effects of acts, none of which, taken individually, may produce a severe economic consequence. This characteristic poses a significant challenge in attributing the result constituting ifsad (corruption on earth) to members, accomplices, and leaders of the network, since establishing large-scale economic harm or its connection to the network's overall activities does not necessarily establish the hadd liability of each individual perpetrator. This study seeks to develop a jurisprudential–criminal standard for attributing the result of ifsad in network-based economic disruptions and to assess the capacity of Article 286 of the Islamic Penal Code in this regard. The research employs a descriptive–analytical method based on the study of Imami jurisprudential sources, criminal laws, selected published judicial decisions, and legal scholarship. The findings indicate that Article 286 has a result-oriented structure and that the establishment of economic ifsad requires the concurrence of widespread conduct, a severe and statutorily prescribed consequence, a causal relationship, and an individualized mental element. Based on the jurisprudential doctrines of direct causation (mubasharat), indirect causation (tasbib), concurrence of causes, and the predominance of the stronger cause, physical perpetration is not the exclusive basis of liability; accordingly, a designer or director who creates or controls the mechanism effectively producing the prohibited result may also be held responsible. Nevertheless, mere membership, complicity, benefit, or leadership does not substitute for proof of the perpetrator's causal contribution and knowledge. The analytical model proposed in this study consists of identifying the legally prescribed result, reconstructing the causal network, establishing the individual's effective participation in the common risk, assessing organizational control and awareness, examining intervening causes, and applying jurisprudential and evidentiary safeguards. The study concludes that a defensible standard is “individualized attribution based on customary causation and effective participation in a common risk.” This standard makes it possible to hold concealed designers and organizers of a network accountable while preventing the automatic attribution of large-scale consequences to marginal or uninformed members and clearly distinguishing hadd liability from ta'zir liability. In cases of ifsad fi al-ard, mere initial doubt, without sufficient efforts to obtain and assess evidence, is not sufficient; however, if, after judicial examination, any element of the offense or any condition of the accused's individual criminal liability cannot be established pursuant to Article 120, extending the hadd offense to such a case would not be permissible.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2026 The Authors.

How to Cite This Article: Falakinafchi, M; Salehi, K & Kh, Sh (2026). “The Jurisprudential–Criminal Standard for Attributing the Result of Ifsad to the Perpetrator in Network-Based Economic Disruptions: Reconsidering Causation in Light of Article 286 of the Islamic Penal Code”. *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 6(1): 123-139.



دوره ششم، شماره اول، بهار ۱۴۰۵

ضابطه فقهی - جزایی انتساب نتیجه افساد به مرتکب در اخلاص‌های اقتصادی شبکه‌ای؛ بازخوانی رابطه سببیت در پرتو ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی

محسن فلکی نافچی^۱، کریم صالحی^{۲*}، خاطره شاهین‌فرد^۱

۱. گروه حقوق، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.

۲. گروه حقوق، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران. (نویسنده مسؤول)

چکیده

اخلال‌های اقتصادی شبکه‌ای غالباً حاصل مجموعه‌ای از رفتارهای هماهنگ، تقسیم کار سازمانی و تأثیر انباشته اقداماتی هستند که هیچ‌یک به تنهایی نتیجه شدید اقتصادی را ایجاد نمی‌کنند. این ویژگی، انتساب نتیجه افساد به اعضا، معاونان و سردستانان شبکه را با دشواری جدی مواجه می‌سازد؛ زیرا اثبات وقوع خسارت کلان یا ارتباط آن با فعالیت کلی شبکه، لزوماً مسؤولیت حدی هریک از مرتکبان را ثابت نمی‌کند. پژوهش حاضر با هدف استخراج ضابطه‌ای فقهی - جزایی برای انتساب نتیجه افساد در اخلاص‌های اقتصادی شبکه‌ای و ارزیابی ظرفیت ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی انجام شده است. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر مطالعه منابع فقه امامیه، قوانین کیفری، برخی آراء قضایی منتشر شده و پژوهش‌های حقوقی است. یافته‌ها نشان می‌دهد ماده ۲۸۶ دارای ساختاری نتیجه‌محور است و تحقق افساد اقتصادی مستلزم اجتماع رفتار گسترده، نتیجه شدید و منصوص، رابطه سببیت و عنصر روانی شخصی است. بر پایه قواعد مباشرت، تسبیب، اجتماع اسباب و اقوائیت سبب، مباشرت فیزیکی شرط انحصاری مسؤولیت نیست و طراح یا هدایت‌کننده‌ای که سازوکار مؤثر نتیجه را ایجاد یا کنترل کرده است، می‌تواند مسؤول شناخته شود. با این حال، عضویت، معاونت، انتفاع یا سردستگی صرف، جایگزین اثبات سهم علی و علم مرتکب نمی‌شود. الگوی پیشنهادی پژوهش شامل تعیین نتیجه قانونی، بازسازی شبکه علی، احراز مشارکت مؤثر شخص در خطر مشترک، سنجش کنترل سازمانی و آگاهی، بررسی اسباب مداخله‌گر و اعمال کنترل فقهی - اثباتی است. نتیجه آنکه ضابطه قابل دفاع، «انتساب عرفی شخصی شده بر پایه مشارکت مؤثر در خطر مشترک» است. این ضابطه ضمن امکان پاسخ‌گویی طراحان پنهان شبکه، از سرایت خودکار نتیجه کلان به اعضای کم‌اثر یا ناآگاه جلوگیری می‌کند و مرز مسؤولیت حدی را از مسؤولیت تعزیری به روشنی تفکیک می‌کند. در افساد فی الارض، صرف تردید ابتدایی بدون تحصیل دلیل کافی نیست؛ اما اگر پس از رسیدگی، یکی از ارکان جرم یا شرایط مسؤولیت شخصی متهم به موجب ماده ۱۲۰ احراز نشود، توسعه عنوان حدی به آن مورد امکان‌پذیر نخواهد بود.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۳۹-۱۳۳

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۴۱۵۲-۵۲۹۷-۰۰۰۲-۰۰۰۰۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۹۱۲۵۷۸۸۰۹۳

ایمیل: ksalehi@iau.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۲۵

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۴/۱۲/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۱۲/۱۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۰۱

واژگان کلیدی:

افساد فی الارض، اخلاص اقتصادی شبکه‌ای،
رابطه سببیت، انتساب نتیجه، ماده ۲۸۶.



مقدمه

جرائم اقتصادی شبکه‌ای، از یک سو، صیانت از نظم اقتصادی و مقابله با فعالیت‌های سازمان یافته، مداخله نظام عدالت کیفری را ضروری می‌سازد؛ از سوی دیگر، شدت پاسخ کیفری، به‌ویژه هنگامی که رفتار اقتصادی ذیل عنوان حدی افساد فی‌الارض قرار می‌گیرد، اقتضا می‌کند مسؤولیت هر متهم بر پایه نقش او به صورت دقیق احراز شود. تحقق اخلاص شدید یا خسارت عمده در سطح یک شبکه، انتساب نتیجه به همه اعضای آن را توجیه نمی‌کند. مسأله اساسی صرفاً اثبات وقوع نتیجه نیست، بلکه باید مشخص شود این نتیجه بر اساس چه ضابطه‌ای به رفتار هر مرتکب قابل استناد است. بی‌توجهی به این تفکیک ممکن است مسؤولیت شخصی را به مسؤولیت ناشی از عضویت در گروه تبدیل کند و مرز مباشرت، مشارکت، معاونت و سردستگی را از میان ببرد. در مقابل، محدود ساختن سببیت به رفتار مستقیم نیز ممکن است طراحان و هدایت‌کنندگانی را که بدون حضور در عملیات اجرایی، جریان مجرمانه را کنترل کرده‌اند، از مسؤولیت متناسب خارج سازد. پیچیدگی انتساب نتیجه در اخلاص‌های اقتصادی شبکه‌ای از جمعی بودن رفتارها ناشی می‌شود. در شبکه‌های جذب وجوه، شرکت‌های هرمی، فعالیت‌های ارزی سازمان یافته، مؤسسات مالی صوری و طرح‌های دارایی دیجیتال، اشخاص متعددی در سطوح متفاوت فعالیت می‌کنند. برخی ساختار را طراحی می‌کنند، گروهی منابع و زیرساخت فنی را فراهم می‌آورند، عده‌ای سرمایه جذب می‌کنند و دیگران حساب‌های بانکی یا ابزارهای انتقال وجوه را در اختیار شبکه قرار می‌دهند. برهم خوردن ثبات بازار، از بین رفتن سرمایه اشخاص یا سلب اعتماد عمومی ممکن است از انباشت این رفتارها حاصل شود. در چنین وضعیتی، آزمون «اگر رفتار شخص نبود، نتیجه واقع نمی‌شد» همیشه پاسخ‌گو نیست؛ زیرا ممکن است حذف رفتار یک عضو مانع تحقق نتیجه نهایی نشود، درحالی که رفتار او بخشی مؤثر از سازوکار جمعی باشد.

از سوی دیگر، صرف قرارگرفتن رفتار در زنجیره سازمانی جرم برای انتساب نتیجه حدی کافی نیست و باید میان حضور در شبکه، تسهیل فعالیت آن و ایجاد یا تشدید نتیجه افساد تمایز گذاشت. ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی، ارتکاب گسترده

اخلال در نظام اقتصادی را هنگامی افساد فی‌الارض می‌داند که رفتار مرتکب به نتایجی مانند اخلال شدید یا خسارت عمده منتهی شود. ساختار ماده نشان می‌دهد افساد صرفاً با اثبات رفتار یا گستردگی عملیات تحقق نمی‌یابد، بلکه میان رفتار گسترده و نتیجه شدید باید پیوندی قابل اثبات برقرار باشد. همین مسأله در قانون مجازات اخلاص‌گران در نظام اقتصادی نیز مطرح است؛ زیرا در بخش مهمی از مصادیق، «اخلال» نتیجه رفتارهای ماده یک است و نمی‌توان آن را هم‌زمان رفتار مادی و نتیجه مجرمانه تلقی کرد. نتیجه‌محور بودن جرم اقتضا می‌کند دادگاه افزون بر اثبات رفتار ممنوع، تحقق اخلال و ارتباط آن با رفتار متهم را مستقلاً احراز کند. با این حال، مفاهیمی مانند «گسترده»، «شدید»، «عمده» و «کلان» فاقد معیارهای روشن‌اند و همین ابهام، تشخیص مرحله تحقق نتیجه و نحوه انتساب آن را با اختلاف مواجه کرده است. در برخی آراء قضایی منتشرشده و تحلیل‌های حقوقی مرتبط، درباره جایگاه «اخلال» به عنوان رفتار یا نتیجه، برداشت‌های متفاوتی دیده می‌شود؛ این مقاله از این موارد صرفاً برای تبیین مسأله استفاده می‌کند و درصدد ارائه تحلیل جامع و استقرایی رویه قضایی نیست (احمدزاده و همکاران، ۱۴۰۴: ۶).

در پرونده‌های شبکه‌ای، نتیجه افساد ظهور می‌کند، اما مسؤولیت باید برای هر متهم جداگانه اثبات شود. سازمان‌یافتگی می‌تواند قرینه‌ای بر هماهنگی اعضا و ایجاد اخلال شدید باشد، ولی به‌تنهایی جانشین رابطه سببیت نمی‌شود. ممکن است عضوی در ساختار حضور داشته باشد، اما نقش او محدود یا فاقد تأثیر مؤثر در نتیجه باشد. در مقابل، شخصی ممکن است بدون انجام مستقیم عملیات مالی، از طریق طراحی فعالیت، مدیریت وجوه یا تعیین سیاست جذب، سلطه مؤثری بر فرایند ایجاد نتیجه داشته باشد. بنابراین، سازمان‌یافتگی باید در کنار نوع نقش، میزان اختیار، آگاهی از برنامه مشترک، قابلیت پیش‌بینی نتیجه و سهم رفتار در ایجاد اخلال ارزیابی شود (رحیمی و همکاران، ۱۴۰۲: ۶۹). حتی قرارگرفتن در رأس ساختار بدون اثبات کنترل مؤثر، علم به جهت‌گیری مجرمانه شبکه و ارتباط رفتار مدیریتی با نتیجه، برای انتساب افساد کافی نیست. فقدان مباشرت نیز نباید نقش شخصی را نادیده بگیرد که تصمیم‌های او شرط استمرار شبکه

بوده است. ضرورت تفکیک معاونت، مباشرت و سردستگی، به‌ویژه هنگامی که سردهسته در عملیات اجرایی مداخله نکرده، از کاستی‌های ماده ۲۸۶ است (نظام‌الملکی، ۱۴۰۳: ۲۹).

بررسی فقهی موضوع ضروری است؛ زیرا افساد فی‌الارض عنوانی حدی است و توسعه مسؤولیت آن نمی‌تواند صرفاً بر ملاحظات امنیتی استوار شود. قواعد مباشرت، تسبیب، اجتماع اسباب، اقوی‌بودن سبب از مباشر و استناد عرفی، ظرفیت‌هایی برای تشخیص پیوند رفتار و نتیجه فراهم می‌آورند. وجه مشترک این قواعد آن است که مسؤولیت زمانی قابل تحمیل است که نتیجه در نگاه عرف عقلائی به رفتار شخص مستند باشد. با این حال، انتقال قواعد تسبیب از حوزه ضمان مالی یا جنایات به قلمرو افساد دشوار است؛ زیرا مجازات حدی، احراز دقیق‌تر انتساب و رعایت احتیاط در دماء را می‌طلبد. در اخلاص شبکه‌ای، استناد عرفی زمانی تقویت می‌شود که رفتار شخص در طرح مشترک نقشی مؤثر داشته، مرتکب از ماهیت فعالیت شبکه آگاه بوده و نتیجه شدید در محدوده خطری قرار گرفته باشد که او ایجاد کرده است. در صورت تردید جدی درباره سهم رفتار یا علم مرتکب، قواعد احتیاط و درء مانع تسری عنوان حدی خواهند بود؛ هرچند مسؤولیت تعزیری رفتار مستقل شخص باقی بماند. وجود مبانی فقهی افساد و انطباق آن با برخی جرائم سازمان‌یافته نیز به معنای جواز انتساب جمعی نتیجه به اعضای شبکه نیست (مجاهد، ۱۴۰۱: ۲۲۷).

تحول شبکه‌های اقتصادی دیجیتال، پیچیدگی رابطه سببیت را افزایش داده است. در این شبکه‌ها، عملیات از طریق سامانه‌های خودکار، حساب‌های واسطه، شرکت‌ها و انتقال برخط دارایی انجام می‌شود و فاصله میان رفتار اعضا و پیدایش نتیجه افزایش می‌یابد. گاه اثر رفتار یک عضو تنها در ترکیب با اقدامات دیگران ظاهر می‌شود و گاه نتایج پس از توقف شبکه آشکار می‌گردد. این ویژگی‌ها اقتضا می‌کند سببیت صرفاً بر تقدم زمانی رفتار استوار نباشد، بلکه ایجاد خطر نامجاز، میزان کنترل مرتکب، اهمیت نقش او و تحقق خطری که رفتار وی ایجاد کرده، بررسی شود. پیچیدگی فنی و گستردگی آثار نیز نباید به کاهش معیار اثبات یا انتقال بار اثبات به متهم منجر گردد. رویکرد افتراقی نسبت به جرائم اقتصادی سازمان‌یافته

زمانی موجه است که با تعریف روشن جرم، تفکیک نقش‌ها و تضمین حقوق دفاعی همراه باشد؛ زیرا ابهام در مفاهیم اخلاص و افساد، علاوه بر ایجاد آراء متفاوت، خطر توسعه سلیقه‌ای عنوان حدی را افزایش می‌دهد (صالحی و همکاران، ۱۴۰۴: ۱۳۳؛ رستمی و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۷).

بر این اساس، پرسش اصلی پژوهش آن است که بر پایه فقه امامیه و حقوق کیفری، نتیجه افساد در اخلاص‌های اقتصادی شبکه‌ای تحت چه شرایطی به رفتار هر مرتکب قابل انتساب است و ماده ۲۸۶ چگونه باید تفسیر شود؟ فرض پژوهش آن است که صرف عضویت در شبکه، انتفاع از فعالیت، گستردگی عملیات یا عنوان مدیریتی برای مسؤولیت حدی کافی نیست؛ بلکه باید اثبات شود رفتار مرتکب در چارچوب طرح مشترک، سهمی مؤثر و قابل استناد در ایجاد یا تشدید نتیجه داشته، شخص به ماهیت اخلاص‌زای فعالیت و قابلیت پیدایش آثار شدید آگاه بوده و نتیجه در محدوده خطر ایجادشده قرار داشته است. هرگاه نتیجه حاصل مجموع رفتارهای وابسته اعضاست، انتساب مشترک تنها زمانی پذیرفتنی است که پیوند عملیاتی، وحدت طرح، آگاهی متقابل و تأثیر معنادار رفتار احراز شود. پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع فقه امامیه، قوانین و پژوهش‌های حقوقی انجام می‌شود. از حیث قضایی، دامنه مطالعه به نمونه‌های محدود و قابل دسترس از آراء منتشرشده محدود است و مقاله ادعای تحلیل جامع یا استقرای کامل رویه قضایی را مطرح نمی‌کند. ساختار مقاله بر سه محور استوار است: نخست، ماهیت نتیجه افساد و مبانی فقهی و جزایی سببیت تبیین می‌شود؛ سپس چالش انتساب نتیجه در ساختارهای اقتصادی شبکه‌ای در پرتو ماده ۲۸۶ تحلیل می‌گردد؛ و در پایان، ضابطه‌ای مرکب از استناد عرفی، ایجاد خطر نامجاز، نقش مؤثر، علم به طرح جمعی و قابلیت پیش‌بینی نتیجه برای تفکیک مسؤولیت حدی از تعزیری پیشنهاد می‌شود.

۱- مبانی مفهومی، فقهی و جزایی انتساب نتیجه افساد در اخلاص‌های اقتصادی شبکه‌ای

انتساب نتیجه افساد در اخلاص‌های اقتصادی شبکه‌ای فراتر از احراز یک زیان اقتصادی یا عضویت مرتکب در مجموعه‌ای

سپرده‌گذاران ممکن است در یک پرونده وجود داشته باشد، اما هرکدام تنها هنگامی در چارچوب ماده ۲۸۶ اهمیت می‌یابد که از حیث شدت، گستره و ارتباط با رفتار متهم، با یکی از نتایج منصوص قانون منطبق گردد. برای مثال، زیان عمده به اموال خصوصی مفهومی متفاوت از افزایش شمار بزه‌دیدگان دارد؛ چه بسا تعداد زیادی از اشخاص متحمل زبانی محدود شوند، یا شمار اندکی از اشخاص خسارتی بسیار سنگین ببینند. دادگاه باید توضیح دهد که کدام وضعیت، با توجه به حجم زیان، دامنه آثار، جایگاه مال یا خدمت در اقتصاد و استمرار پیامدها، «عمده» یا «شدید» تشخیص داده شده است. استفاده از اوصافی چون گسترده، شدید، عمده و وسیع، اختیار ارزیابی قضایی را از میان نمی‌برد، ولی دادرس را مکلف می‌کند شاخص‌های عینی و قابل‌بازبینی تصمیم خود را در حکم منعکس سازد. تحلیل‌های ناظر بر جرائم اقتصادی سازمان‌یافته نیز بر آن‌اند که پیچیدگی تشکیلاتی، نباید جایگزین اثبات نتیجه قانونی گردد؛ سازمان‌یافتگی بیشتر شیوه ارتکاب و ظرفیت تولید زیان را نشان می‌دهد، نه اینکه به تنهایی نتیجه افساد را ثابت کند (اسماعیلی و رکنی، ۱۴۰۴: ۱۱۵).

اخلال اقتصادی «شبکه‌ای» ناظر بر وضعیتی است که عملیات مجرمانه از طریق ارتباط منظم یا هماهنگ چند شخص یا چند واحد اجرایی تحقق می‌یابد و هر جزء، وظیفه‌ای مکمل در ایجاد، انتقال یا پنهان‌سازی خطر اقتصادی بر عهده دارد. شبکه ممکن است دارای سلسله‌مراتب آشکار، رهبر واحد و اعضای ثابت باشد، یا به صورت افقی و منعطف عمل کند؛ به گونه‌ای که واسطه‌های مالی، مدیران شرکت‌های پوششی، تأمین‌کنندگان اعتبار، بازیابان، دارندگان حساب‌ها و پردازشگران داده بدون ارتباط مستقیم با همه اعضا، در یک طرح مشترک مشارکت کنند. در این معنا، وصف شبکه‌ای صرفاً مترادف تعدد مرتکبان نیست. اگر چند شخص مستقل، بدون طرح، هماهنگی یا وابستگی کارکردی، رفتارهای مشابهی انجام دهند، با تعدد ساده اسباب مواجهیم، نه الزاماً با یک اخلال شبکه‌ای. عنصر ممیز شبکه، پیوند کارکردی رفتارهاست؛ یعنی عملکرد هر گره، اجرای بخش دیگری از طرح را ممکن یا آثار آن را تقویت کند.

سازمان‌یافته است. نتیجه در این جرائم غالباً از انباشت رفتارهای متعدد و تقسیم کار میان کنشگران پدید می‌آید. از این‌رو، تحلیل مسؤولیت مستلزم پاسخ به سه پرسش است: نتیجه لازم برای افساد موضوع ماده ۲۸۶ چیست؛ این نتیجه بر پایه مباشرت، تسبیب و اجتماع اسباب به رفتار کدام عضو مستند است؛ و حقوق کیفری با چه معیارهایی سهم علی و تقصیر شخصی او را از نتیجه کلی شبکه تفکیک می‌کند. این بخش ابتدا مفاهیم، سپس بنیان‌های فقهی و سرانجام ضوابط جزایی استناد را بررسی می‌کند.

۱-۱- مفهوم و قلمرو نتیجه افساد و اخلال اقتصادی شبکه‌ای
مفهوم «نتیجه افساد» در موضوع حاضر باید از سه مفهوم نزدیک، اما متمایز، تفکیک شود: رفتار اخلال‌گر اقتصادی، نتیجه مستقیم آن رفتار و نتیجه مشددی که به موجب ماده ۲۸۶ وصف افساد فی‌الارض را ایجاد می‌کند. اخلال در نظام اقتصادی کشور در متن ماده مزبور در شمار رفتارها یا حوزه‌های مجرمانه‌ای قرار گرفته است که اگر به‌طور گسترده ارتکاب یابند و به یکی از پیامدهای مقرر در قانون منتهی شوند، می‌توانند مبنای عنوان افساد قرار گیرند. بنابراین، صرف ارتکاب چند تخلف مالی، تحصیل منفعت نامشروع، گردش وجوه فراوان یا برهم زدن فعالیت یک بنگاه، به‌خودی‌خود معادل تحقق نتیجه افساد نیست. قانون‌گذار علاوه بر گستردگی رفتار، پیدایش نتیجه‌ای مانند اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی، ورود خسارت عمده به اموال عمومی یا خصوصی یا اشاعه فساد در حد وسیع را مطالبه کرده است. در نتیجه، «اخلال اقتصادی» می‌تواند رفتار پایه یا نتیجه میانی باشد، حال آنکه «افساد» وصفی است که پس از اجتماع رفتار گسترده، نتیجه شدید و رابطه استناد میان آن دو پدید می‌آید. این تفکیک مانع آن است که سنگینی ارزش مالی پرونده یا حساسیت اجتماعی آن، جانشین اثبات عناصر قانونی افساد شود (جعفری‌مسلم و آقابابایی، ۱۴۰۰: ۳۲).

نتیجه افساد نیز نباید به معنای هر اثر نامطلوبی تفسیر شود که به‌طور دور یا غیرمستقیم از یک فعالیت اقتصادی ناشی شده است. کاهش اعتماد عمومی، نوسان بازار، ورشکستگی اشخاص، خروج سرمایه، اختلال در تأمین کالا و زیان

بر این اساس، نتیجه افساد پیامد شدید، عینی و منصوبی است که از عملکرد گسترده شبکه پدید آمده و با دلیل معتبر به مرتکب معین استناد می‌یابد. نتیجه باید تحقق خارجی داشته باشد، شدت آن اثبات شود، از رفتار اقتصادی مرتبط ناشی گردد و سهم هر متهم مستقل از دیگران ارزیابی شود. این برداشت از تبدیل ماده ۲۸۶ به عنوانی فراگیر برای هر پرونده بزرگ اقتصادی جلوگیری می‌کند.

۲-۱- مبانی فقه امامیه در انتساب نتیجه؛ مباشرت، تسبیب و اجتماع اسباب

منابع فقه امامیه عنوان نوپدید «اخلال اقتصادی شبکه‌ای» را مستقلاً بررسی نکرده‌اند، اما در ابواب جنایات، دیات، ضمان و اتلاف قواعدی برای استناد نتیجه ارائه کرده‌اند. محور مشترک آن است که تحقق خسارت برای مسؤول دانستن شخص کافی نیست و نتیجه باید به فعل یا ترک او منتسب باشد. از این‌رو، رابطه طبیعی در سلسله وقایع با استناد عرفی یکسان نیست؛ گاه رفتار شخص مقدمه‌ای دور است و عرف نتیجه را به او نسبت نمی‌دهد؛ گاه نیز او بدون اجرای فعل نهایی، به سبب ایجاد و کنترل عامل مؤثر، مسؤول شناخته می‌شود. این منطق هم از محدودشده مسؤولیت به عامل پایانی و هم از سرایت نتیجه به همه مرتبطان شبکه جلوگیری می‌کند. در فقه امامیه، در بحث انتساب تلف و جنایت، ملاک ضمان، استناد عرفی نتیجه به فعل یا سبب است؛ بنابراین، صرف تقدم زمانی رفتار یا قرار گرفتن آن در سلسله اسباب، برای تحقق مسؤولیت کافی نیست. محقق حلی در بیان موجبات ضمان، میان مباشرت و تسبیب تفکیک کرده و تحقق ضمان را به انتساب تلف یا جنایت به رفتار مرتکب وابسته می‌داند (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ۴/ ۱۸۴-۱۸۱). شهید ثانی نیز در بحث تراحم موجبات، ضمن پذیرش اصل تقدم مباشر در فرض اجتماع مباشر و سبب، موارد ضعف مباشر، چهل او به سبب و تأثیر مستقل سبب را از مواردی می‌داند که می‌تواند موجب تقدم سبب بر مباشر شود. وی همچنین در اجتماع اسباب، میان اسباب هم‌زمان و اسباب متعاقب تفاوت گذاشته و معیار را میزان تأثیر و نحوه استناد نتیجه دانسته است (شهید ثانی، ۱۴۱۴ق، ۱۲/ ۱۶۴-۱۶۵؛ ۱۵/ ۳۸۰).

ساختار شبکه‌ای سبب می‌شود نتیجه اقتصادی غالباً تجمیعی باشد. هیچ برداشت، انتقال، ثبت صوری، تبلیغ فریبنده یا تصمیم اعتباری منفردی ممکن است به تنهایی اخلال شدید ایجاد نکند، اما تکرار و اتصال این اقدامات می‌تواند ظرفیت یک بازار یا نهاد مالی را فرسوده و خسارتی فراگیر تولید کند. از این ویژگی نمی‌توان نتیجه گرفت که حاصل نهایی به‌طور خودکار به همه اعضا منتسب است. نتیجه جمعی و مسؤولیت شخصی در دو سطح متفاوت قرار دارند: ابتدا باید ثابت شود مجموعه رفتارهای مرتبط، نتیجه مقرر در قانون را به وجود آورده است؛ سپس باید احراز گردد رفتار هر متهم، با لحاظ نقش، آگاهی، اختیار و تأثیرش، چه نسبتی با آن نتیجه دارد. انتساب کل زیان شبکه به یک عضو جزء، تنها به دلیل عضویت یا انتفاع او، همان اندازه نارواست که نادیده گرفتن نقش طراح یا هدایت‌کننده به این استدلال که شخصاً هیچ وجهی دریافت نکرده است. پژوهش‌های مربوط به تشکیلات مجرمانه اقتصادی نیز ضرورت تفکیک میان حضور صوری، همکاری موردی، عضویت آگاهانه و هدایت مؤثر شبکه را برجسته کرده‌اند (جمال‌الدینی و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۱).

در تعیین قلمرو اشخاص نیز باید میان شبکه ارتکاب و محیط متأثر از جرم فرق گذاشت. کارکنان فریب‌خورده، ارائه‌دهندگان خدمات عادی، مشتریان، سپرده‌گذاران یا اشخاصی که تنها ابزار قانونی را در اختیار شبکه قرار داده‌اند، صرف قرار گرفتن در مسیر عملیات، جزء شبکه مجرمانه محسوب نمی‌شوند. حتی آگاهی اجمالی از نامتعارف بودن فعالیت، بدون اثبات همکاری ارادی با طرح و سهم مؤثر در آن، برای انتساب نتیجه افساد کفایت ندارد. در سوی دیگر، شخصی که معماری مالی طرح، قواعد جذب منابع یا روش پنهان کردن کسری را طراحی کرده است، ممکن است با وجود فقدان تماس مستقیم با بزه‌دیدگان، سبب محوری نتیجه باشد. ارزیابی نقش باید بر کارکرد واقعی و نه عنوان اداری، مالکیت اسمی یا جایگاه ظاهری شخص استوار شود. مطالعه فقهی - حقوقی افساد در جرائم اقتصادی نیز بر تفکیک عنوان سنگین افساد از صرف نقض مقررات و بر ضرورت احراز آثار کلان رفتار تأکید دارد (رحیمی و همکاران، ۱۴۰۲: ۵۲).

موضوع ماده ۲۸۶ را بی‌واسطه به وجود آورده است؟ خط مباشرت در یک اقدام جزئی با مباشرت در نتیجه نهایی، دامنه مسؤولیت حدی را بی‌ضابطه توسعه می‌دهد. در تقریرهای فقهی، ضمان مباشر بر صدق انتساب اتلاف یا جنایت استوار است و همین قید، تشخیص عرفی پیوند فعل و نتیجه را ضروری می‌سازد (محقق حلی، ۱۴۰۸).

تسبیب ناظر بر وضعیتی است که شخص زمینه، ابزار یا فرایندی را ایجاد می‌کند و نتیجه از رهگذر آن، با یک یا چند واسطه، واقع می‌شود. سبب‌بودن هر مقدمه‌ای به معنای مسؤولیت نیست؛ مقدمه باید در نظر عرف از عوامل مؤثر و قابل انتساب حادثه باشد. این مبنا با ساختار اخلاص‌های شبکه‌ای تناسب بیشتری دارد، زیرا طراح اصلی معمولاً همه اعمال اجرایی را شخصاً انجام نمی‌دهد. او ممکن است الگوی فریب، سامانه توزیع وجوه، شرکت‌های پوششی، قواعد پرداخت و شیوه انسداد اطلاعات را ایجاد کند و سپس اعضای پایین‌تر، عملیات روزمره را اجرا نمایند. اگر نتیجه عمده، تحقق همان خطری باشد که سازوکار مزبور برای تولید آن طراحی شده است، وجود واسطه‌های انسانی لزوماً استناد را قطع نمی‌کند. در مقابل، ارائه ابزار متعارف، انجام خدمت حرفه‌ای عادی یا ایجاد شرطی دور که بدون تصمیم مستقل دیگران اثر زیان‌بار نداشت، برای تسبیب کیفری کافی نیست. معیار، نقش مؤثر سبب در ساختن مسیر نتیجه و بقای تسلط یا آگاهی شخص نسبت به آن مسیر است.

اجتماع مباشر و سبب، از مسائل مهم فقهی است. قاعده مشهور در بسیاری از فروض، انتساب نتیجه به مباشر است، مگر آنکه سبب اقوی از مباشر باشد. مقصود از اقوی بودن صرفاً تقدم زمانی، جایگاه اداری بالاتر یا نفوذ اجتماعی بیشتر نیست؛ سبب هنگامی اقوی است که نقش مباشر در برابر طراحی یا اجبار سبب، استقلال تعیین‌کننده نداشته باشد و عرف نتیجه را بیشتر به ایجادکننده وضعیت نسبت دهد. در یک شبکه اقتصادی، کارمند آگاه و مختاری که دستور غیرقانونی را اجرا می‌کند، ابزار بی‌اراده مدیر نیست و اصل مسؤولیت او منتفی نمی‌شود. با این حال، اگر معماری عملیات به گونه‌ای باشد که مجری جزئی از ماهیت و آثار کلان آن بی‌اطلاع بماند و تصمیم مؤثر منحصر

صاحب جواهر نیز با بررسی اجتماع مباشر و سبب و تعدد اسباب، مسؤولیت را بر پایه کیفیت تأثیر هر عامل و قابلیت انتساب نتیجه به وی تحلیل می‌کند؛ از این‌رو، اقوایت سبب امری مطلق و ناشی از جایگاه یا تقدم زمانی نیست، بلکه باید با توجه به میزان اثرگذاری، استقلال مباشر و داوری عرفی احراز شود (نجفی، ۱۴۰۴ ق، ۴۳ / ۷۰). امام خمینی نیز در بحث اسباب ضمان، تسبیب را در صورتی موجب مسؤولیت می‌داند که تلف عرفاً به سبب ایجادشده مستند باشد و در فرض اجتماع سبب و مباشر، قوت یا ضعف هر یک در انتساب نتیجه مورد توجه قرار گیرد (خمینی، بی‌تا، ۵۶۴ / ۲). آیت‌الله خویی نیز در بحث موجبات ضمان، مباشرت و تسبیب را دو منشأ مستقل ضمان دانسته و تحقق مسؤولیت را به قابلیت استناد نتیجه به رفتار شخص وابسته می‌کند (خویی، ۱۴۲۲ ق، ۲ / ۲۷۷-۲۸۰). بر پایه این مبانی، در اخلاص اقتصادی شبکه‌ای، طراح یا هدایت‌کننده تنها زمانی می‌تواند مسؤول نتیجه شناخته شود که رفتار او عرفاً در ایجاد یا استمرار سازوکار زیان‌بار و تحقق خطر واقع‌شده نقش مؤثر داشته باشد. در مقابل، صرف عضویت، انتفاع، ارتباط سازمانی یا قرار گرفتن در سلسله اسباب، بدون اثبات اثرگذاری واقعی و قابلیت استناد نتیجه، برای انتساب مسؤولیت کافی نیست. البته این مبانی فقهی در پژوهش حاضر به‌عنوان مبنای استنباط ضابطه انتساب به کار می‌رود و به معنای انتقال خودکار قواعد ضمان مالی به مسؤولیت حدی افساد فی الارض نیست.

مباشرت هنگامی مطرح است که فعل مرتکب، بدون واسطه ارادی یا سبب مستقل، مستقیماً نتیجه را پدید آورد. در نمونه‌های کلاسیک، اتلاف مال یا ایراد صدمه به نحوی رخ می‌دهد که نتیجه عرفاً به همان فعل پایانی نسبت داده می‌شود. در اخلاص اقتصادی نیز مدیر سامانه‌ای که شخصاً دستور انتقال و برداشت دارایی‌ها را اجرا می‌کند، یا متصدی‌ای که با یک تصمیم نافذ دسترسی عمومی به منابع را متوقف می‌سازد، ممکن است مباشر نتیجه‌ای معین باشد. با این حال، مباشرت در شبکه‌ها غالباً نسبی است. متصدی انتقال وجه، مباشر جابه‌جایی است، ولی لزوماً مباشر خسارت عمده‌ای نیست که از طراحی پیشین، تکرار هزاران تراکنش و پنهان‌سازی جمعی حاصل شده است. پس باید متعلق مباشرت دقیقاً تعیین شود: شخص در کدام رفتار مباشر است و آیا همان رفتار، نتیجه

را ممکن ساخته یا مانع کشف و توقف آن شده است؛ و آیا نتیجه نهایی در محدوده همان خطری قرار دارد که رفتار او ایجاد یا تقویت کرده است؟ پاسخ مثبت به این پرسش‌ها می‌تواند استناد را برقرار سازد، بی‌آنکه دادگاه ناچار باشد سهم ریاضی ناممکنی برای هر عامل تعیین کند. البته در مجازات حدی، مؤثر بودن باید با ادله اطمینان‌آور ثابت شود و ابهام در سهم شخص با فرض مسؤولیت جمعی جبران‌پذیر نیست.

برنامه مشترک، یکی از قرائن مهم استناد در اجتماع اسباب به شمار می‌رود، ولی خود جانشین سببیت نیست. توافق بر ارتکاب رفتار اقتصادی غیرقانونی ممکن است عنصر روانی مشارکت را نشان دهد، اما برای انتساب نتیجه افساد باید ثابت شود نتیجه، محصول اجرای همان برنامه یا نتیجه قابل پیش‌بینی توسعه آن بوده است. اگر چند شخص تنها بر معامله‌ای محدود توافق کنند و یکی از آنان خارج از توافق، عملیات را به سطحی گسترده و زیان‌بار برساند، قصد اولیه دیگران به تنهایی برای انتساب نتیجه توسعه‌یافته کفایت ندارد. برعکس، اگر تقسیم کار از آغاز برای جذب انبوه منابع، ایجاد اعتماد کاذب و جلوگیری از بازپرداخت طراحی شده باشد، عضو آگاهی که وظیفه ضروری خود را اجرا می‌کند نمی‌تواند صرف کوچک‌بودن فعل ظاهری‌اش را دلیل بی‌ارتباطی با نتیجه بداند. فقه امامیه در مسؤولیت ناشی از اجتماع افعال، بر کیفیت شرکت در ایجاد جنایت یا اتلاف و صدق استناد تأکید دارد و امکان استخراج ملاکی را فراهم می‌آورد که در آن، وحدت طرح همراه با تأثیر واقعی رفتار ارزیابی شود (خمینی، ۱۴۲۱، ۲/ ۲۵).

ضابطه محوری در میان این صور، استناد عرفی است. استناد عرفی دآوری ذوقی یا برداشت عمومی بی‌دلیل نیست، بلکه نتیجه ارزیابی مجموعه‌ای از نشانه‌های عینی است: نزدیکی رفتار به نتیجه، قدرت کنترل شخص بر فرایند، میزان وابستگی نتیجه به نقش او، عادی یا غیرعادی بودن مداخلات بعدی، آگاهی از سازوکار شبکه و تحقق همان خطری که شخص ایجاد کرده است. عرف ممکن است خسارت ناشی از توقف یک شبکه هرمی را به طراح و گردانندگان آن نسبت دهد، هرچند پرداخت‌های روزانه توسط اشخاص دیگری انجام شده باشد؛ زیرا جذب مستمر منابع و ناتوانی ساختاری در ایفای

در اختیار طراح باشد، نسبت‌دادن نتیجه فراگیر به مجری و معاف کردن طراح با منطق اقوایت سبب سازگار نیست. از سوی دیگر، اقوی‌بودن سبب نباید به مصونیت همه مباشران آگاه بینجامد؛ ممکن است نتیجه، با توجه به کیفیت همکاری، عرفاً به هر دو منتسب باشد و مسؤولیت هریک بر مبنای نقش خود سنجیده شود. تفصیل فقها در فروض اجتماع سبب و مباشر نشان می‌دهد که یک فرمول مکانیکی برای همه وضعیت‌ها وجود ندارد و ویژگی فعل، درجه اختیار واسطه و نحوه انتساب عرفی تعیین‌کننده است (نجفی، ۱۴۰۴).

در اخلاص شبکه‌ای، اجتماع اسباب از اجتماع سبب و مباشر پیچیده‌تر است. اسباب ممکن است طولی باشند؛ یعنی تصمیم طراح، تأمین مالی، ایجاد پوشش حقوقی، جذب منابع و انتقال دارایی به ترتیب بر یکدیگر اثر گذارند. همچنین ممکن است عرضی باشند؛ یعنی چند واحد به‌طور هم‌زمان و با نقش‌های مستقل، زبانی واحد را ایجاد کنند. در اسباب طولی، صرف تقدم یک رفتار، آن را سبب اصلی نمی‌سازد. باید دید حلقه بعدی، ادامه متعارف و طراحی‌شده حلقه پیشین بوده یا با تصمیمی کاملاً مستقل مسیر جدیدی ساخته است. اگر مدیر شبکه دستور ایجاد حساب‌های واسط را برای جذب و خروج منابع بدهد و مجریان دقیقاً در همان چارچوب عمل کنند، تعدد حلقه‌ها می‌تواند با بقای استناد به طراح جمع شود. اما اگر عضو بعدی، برخلاف طرح و برای منفعت شخصی، رفتاری متفاوت انجام دهد که به تنهایی نتیجه شدید را پدید آورد، این مداخله ممکن است زنجیره پیشین را نسبت به آن بخش از نتیجه قطع کند.

در اسباب عرضی، آزمون ساده «اگر رفتار این شخص نبود، نتیجه رخ نمی‌داد» همیشه کارآمد نیست. چه‌بسا چند واحد هرکدام به اندازه‌ای منابع جذب کرده باشند که مجموع آنها بازار را مختل کند، در حالی که حذف سهم یکی از واحدها نیز مانع اصل اختلال نمی‌شد. اگر شرط ضروری بودن به‌صورت مطلق اعمال شود، هیچ‌یک سبب شناخته نمی‌شود، هرچند نتیجه آشکارا محصول عملکرد جمعی آنان است. راه‌حل، توجه به «مشارکت مؤثر در خطر تحقق‌یافته» است: آیا رفتار شخص جزء معناداری از سازوکار مشترکی بوده که نتیجه را تولید کرده است؛ آیا سهم او ظرفیت شبکه را افزایش داده، استمرار عملیات

قذف را از این حکم استثنا می‌کند. بر این اساس، در جرم افساد فی‌الارض نمی‌توان با صرف طرح یک شبهه ابتدایی و بدون تکمیل تحقیقات، فوراً از عدم ثبوت جرم نتیجه گرفت. در این موارد، دادگاه باید ابتدا تحقیقات لازم را انجام دهد و ادله مربوط به وقوع نتیجه، رابطه سببیت، سهم مؤثر متهم و عنصر روانی او را ارزیابی کند (نظام‌الملکی، ۱۴۰۳: ۲۱).

با این حال، استثنای افساد فی‌الارض در ماده ۱۲۱ به معنای نادیده گرفتن تردید باقی‌مانده پس از رسیدگی و تجویز توسعه عنوان حدی بر پایه حدس یا قرائن کلی نیست. اگر پس از رسیدگی متعارف، درباره یکی از ارکان جرم یا شرایط مسؤولیت، از جمله تحقق نتیجه شدید، انتساب نتیجه به رفتار متهم، سهم مؤثر وی یا علم او به آثار اقداماتش، دلیل معتبر و کافی به دست نیاید، دادگاه نمی‌تواند آن رکن یا شرط را صرفاً با استناد به خسارت کلی، گستردگی شبکه یا جایگاه سازمانی متهم مفروض بگیرد. این برداشت با ضرورت تفسیر مضیق عناوین حدی، شخصی بودن مسؤولیت کیفری و پرهیز از تسری افساد به رفتارهای کم‌اثر یا فاقد ارتباط اثبات‌شده سازگار است (رحیمی و همکاران، ۱۴۰۲: ۵۲). بنابراین، در افساد فی‌الارض، نه می‌توان قاعده درء را بدون توجه به استثنای مقرر در ماده ۱۲۱ به صورت مطلق و بی‌قید اعمال کرد و نه می‌توان استثنای مذکور را مجوز عبور از الزامات اثباتی و اصل شخصی بودن مسؤولیت دانست. نتیجه صحیح آن است که در این جرم، صرف تردید ابتدایی موجب عدم ثبوت خودکار نیست؛ اما تردید معتبر و باقی‌مانده پس از تکمیل تحقیقات درباره یکی از ارکان جرم یا شرایط مسؤولیت، مانع انتساب عنوان حدی بر پایه همان رکن اثبات‌نشده خواهد بود. این برداشت با نظریه مشورتی شماره ۳۲۰۳/۹۳/۷ مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۱۷ اداره کل حقوقی قوه قضاییه نیز هماهنگ است؛ زیرا در این نظریه، ماده ۱۲۰ ناظر به کلیه جرائم و ماده ۱۲۱ ناظر به اعمال خاص قاعده درء در جرائم حدی، با استثنائات تصریح‌شده در آن، دانسته شده است.

برآیند مبانی فقهی آن است که نه مباشرت فیزیکی شرط انحصاری انتساب است و نه تعلق سازمانی برای مسؤولیت نتیجه کفایت می‌کند. مباشر نسبت به حاصل فعل مستقیم خود

تعهدات، از ابتدا در مدل طراحی‌شده نهفته بوده است. در مقابل، اگر زیان عمده صرفاً بر اثر سرقت مستقل یکی از مدیران پس از پایان عملیات رخ دهد، نسبت دادن آن به تمام بازاریابان سابق فاقد مبنای عرفی خواهد بود. بنابراین، استناد عرفی ابزار فردی‌سازی مسؤولیت است، نه مجوزی برای توسعه آن.

علم و قصد نیز با سببیت ارتباط نزدیک دارند، هرچند نباید با آن یکی انگاشته شوند. ممکن است رفتار شخص از نظر عینی سبب نتیجه باشد، اما او نسبت به گستره عملیات یا اثرگذاری فعل خود آگاهی نداشته باشد؛ همچنین ممکن است شخص نتیجه را بخواهد، ولی اقداماتش هیچ سهم مؤثری در وقوع آن نداشته باشد. در فرض نخست، رابطه علی بدون عنصر روانی لازم برای عنوان افساد وجود دارد و در فرض دوم، سوءنیت بدون نتیجه مستند محقق شده است. ماده ۲۸۶ و تبصره آن، در کنار قصد نتایج گسترده، علم به مؤثر بودن اقدامات انجام‌شده را مورد توجه قرار داده‌اند. در ساختار شبکه‌ای، این علم باید شخصی احراز شود. جایگاه مدیریتی، تخصص مالی، دریافت گزارش‌ها، استمرار فعالیت پس از آشکار شدن کسری، پنهان‌سازی اطلاعات و دستور به تغییر مسیر وجوه می‌تواند قرینه علم باشد؛ اما عنوان شغلی یا خویشاوندی با مدیر شبکه، به تنهایی اثبات‌کننده آن نیست. بررسی فقهی امنیت اقتصادی نیز نشان می‌دهد که حمایت شدید از نظم اقتصادی باید همراه با رعایت ارکان شخصی مسؤولیت و پرهیز از مجازات بر پایه ظن باشد (حسینی‌نسب و همکاران، ۱۴۰۲: ۹).

قاعده درء در موضوع افساد فی‌الارض باید با توجه هم‌زمان به مواد ۱۲۰ و ۱۲۱ قانون مجازات اسلامی تحلیل شود. ماده ۱۲۰ مقرر می‌کند هرگاه وقوع جرم، برخی شرایط آن یا یکی از شرایط مسؤولیت کیفری مورد شبهه یا تردید قرار گیرد و دلیلی برای رفع آن یافت نشود، جرم یا شرط مورد تردید ثابت نمی‌شود. این حکم، ناظر به کلیه جرائم است و از این‌رو، در تحلیل رابطه سببیت، سهم مؤثر مرتکب و عنصر روانی وی نیز باید مورد توجه قرار گیرد (مجاهد، ۱۴۰۱: ۲۳۱). در مقابل، ماده ۱۲۱ درباره جرائم موجب حد مقرر می‌کند که صرف وجود شبهه یا تردید، بدون نیاز به تحصیل دلیل، مانع ثبوت جرم یا شرط مربوط می‌شود؛ اما محاربه، افساد فی‌الارض، سرقت و

حساب‌های اصلی، هدایت جذب گسترده یا جلوگیری هدفمند از کشف می‌تواند مؤثر باشد. کارشناس اثر فنی و اقتصادی رفتار را توضیح می‌دهد، ولی دآوری نهایی درباره استناد با دادگاه است.

ضابطه چهارم، تحقق همان خطر ایجاد شده است. نتیجه باید از جنس خطری باشد که رفتار متهم پدید آورده یا افزایش داده است. اگر تبلیغ فریبنده برای جذب سپرده انجام شده و زیان از ناتوانی ساختاری در بازپرداخت حاصل شود، این تناسب وجود دارد؛ اما خسارت ناشی از تصاحب مستقل دارایی‌ها برای هدفی خارج از طرح، دلیل جداگانه می‌خواهد. این معیار سببیت را از تقدم زمانی جدا و نتیجه عملیات مشترک را از آثار عوامل مستقل تفکیک می‌کند (ریاضت و احمدی‌ناطور، ۱۴۰۳: ۲۴۲).

ضابطه پنجم، ارزیابی عامل مداخله‌گر است. رفتار بزه‌دیده، تصمیم عمومی، نوسان بازار یا اقدام عضو دیگر ممکن است میان فعل متهم و نتیجه قرار گیرد. دادگاه باید استقلال، غیرعادی بودن و قدرت علی آن را بسنجد. واکنش قابل پیش‌بینی زنجیره را قطع نمی‌کند؛ ولی عامل خودمختاری که نتیجه‌ای جدید و غالب می‌سازد، دامنه انتساب را محدود می‌کند. ممکن است بخشی از زیان به عملیات اصلی و بخشی به مداخله مستقل بعدی منتسب باشد.

ضابطه ششم، سنجش کنترل سازمانی همراه با سهم علی است. اختیار صدور دستور، دسترسی انحصاری به اطلاعات و امکان توقف عملیات، قرائن مهم‌اند، اما به تنهایی سببیت را ثابت نمی‌کنند. رهبر زمانی مسؤول نتیجه کلی است که هدایت او در طراحی یا استمرار خطر تحقق‌یافته نقش داشته باشد؛ عضو پایین‌تر نیز ممکن است در قلمرو فعل خود سبب مستقیم زبانی معین باشد. نباید از نمودار سازمانی، سلسله‌مراتب مسؤولیت عینی ساخت؛ بلکه باید نشان داد قدرت شخص چگونه به تولید نتیجه انجامیده است (شکری‌بسطام، ۱۳۹۳: ۱۰۲).

ضابطه هفتم، احراز عنصر روانی نسبت به نتیجه است. آگاهی از غیرقانونی بودن معامله یا قصد کسب منفعت کافی نیست؛ باید قصد نتیجه گسترده یا علم به مؤثر بودن اقدامات از قرائن

مسؤول است؛ مسبب باید سازوکار مؤثر نتیجه را ایجاد یا هدایت کرده باشد؛ و در اجتماع اسباب، تأثیر واقعی، وحدت طرح، اختیار واسطه‌ها، اقواییت و دآوری عرف سنجیده می‌شود. برای انتساب حدی نیز علم یا قصد باید شخصا احراز و تردید مؤثر به سود متهم تفسیر شود. این چارچوب طراحان پنهان را پاسخ‌گو می‌کند، بی‌آنکه نتیجه کلان به اعضای کم‌اثر یا ناآگاه سرایت یابد.

۳-۱- ضوابط جزایی رابطه سببیت و استناد نتیجه در جرائم اقتصادی شبکه‌ای

ضوابط جزایی باید مبانی پیش‌گفته را به آزمونی قابل اعمال تبدیل کند. ضابطه نخست، اثبات مستقل نتیجه قانونی است. این الزام با مفاد مواد ۴۹۲ و ۴۹۳ قانون مجازات اسلامی هماهنگ است؛ زیرا تحقق مسؤولیت نتیجه‌محور، به استناد نتیجه به رفتار مرتکب وابسته است و نه صرف وقوع رفتار ممنوع. دادگاه پیش از بررسی نقش متهم باید مشخص کند کدام نتیجه ماده ۲۸۶ واقع شده و شدت یا عمده بودن آن بر چه دلیلی استوار است. گردش مالی، تعداد تراکنش یا ارزش اسمی تعهدات، بدون تحلیل خسارت تحقق‌یافته و اثر آن بر نظم عمومی کافی نیست. نتیجه باید با اسناد مالی، داده‌های نهاد ناظر و نظریه کارشناسی احراز شود؛ خطر بالقوه نیز افساد تام را محقق نمی‌کند. توسعه این عنوان بدون معیار عینی با تفسیر مضیق سازگار نیست (اسدی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۴۰).

ضابطه دوم، تعیین رفتار هر شخص است. عبارت‌هایی مانند «همکاری با شبکه» یا «عضویت فعال» جایگزین توصیف فعل یا ترک نمی‌شود. حکم باید روشن کند متهم چه تصمیمی گرفته، چه دستوری صادر کرده، چه مالی را انتقال داده یا از کدام تکلیف خودداری کرده است. سپس جایگاه زمانی و کارکردی رفتار در زنجیره نتیجه ترسیم شود؛ زیرا بدون فعل معین، سنجش تأثیر، پیش‌بینی‌پذیری و علم ممکن نیست.

ضابطه سوم، احراز مشارکت مؤثر در ایجاد خطر است. باید معلوم شود رفتار متهم ظرفیت شبکه برای تولید نتیجه را به نحو معناداری افزایش داده یا استمرار آن را ممکن ساخته است. نقش حاشیه‌ای، خدمت متعارف یا اقدام آسان‌جایگزین اصولاً مبنای انتساب کل نتیجه نیست؛ اما طراحی مدل مالی، کنترل

دهد که چگونه از این داده‌ها به استناد نتیجه رسیده است. چنین استدلالی امکان کنترل رأی در مرحله تجدیدنظر را افزایش می‌دهد و مانع می‌شود اهمیت اجتماعی پرونده یا شدت خسارت، خلأ دلیل درباره نقش شخص را جبران کند. اجتماع این مراحل میان واقعیت جمعی جرم و شخصی بودن مسئولیت سازگاری ایجاد می‌کند و ضمن امکان اعمال ماده ۲۸۶ بر گردانندگان مؤثر، مانع سرایت خودکار عنوان افساد به اعضای کم‌اثر یا ناآگاه می‌شود.

۲- تحلیل فقهی - حقوقی انتساب نتیجه افساد در پرتو ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی

ماده ۲۸۶ با پیوند دادن رفتار گسترده، نتیجه شدید و عنصر روانی مشدد، ساختاری نتیجه‌محور دارد؛ با این حال، درباره نحوه انتساب نتیجه به کنشگران متعدد شبکه اقتصادی حکم روشنی ارائه نمی‌کند. این سکوت در پرونده‌هایی که زیان از تقسیم کار، تراکم رفتارها و مداخله عوامل واسطه پدید می‌آید، خطر جایگزینی مسئولیت شخصی با مسئولیت جمعی را افزایش می‌دهد. تحلیل ماده باید از متن و مبانی فقهی آن آغاز شود، سپس خلأهای انتساب به اعضا، معاونان و سردستانان آشکار گردد و در نهایت، الگویی مرحله‌بندی‌شده برای احراز رابطه سببیت ارائه شود.

۲-۱- جایگاه نتیجه مجرمانه و رابطه سببیت در ساختار ماده ۲۸۶

ساختار ماده ۲۸۶ از سه حلقه تشکیل می‌شود: ارتکاب گسترده یکی از رفتارهای احصاشده، تحقق یکی از نتایج شدید مقرر و وجود پیوند استنادی میان آن دو. عبارت «به‌گونه‌ای که موجب» نشان می‌دهد گستردگی رفتار، هرچند شرط ضروری است، جای نتیجه را نمی‌گیرد. بنابراین، دادگاه باید نخست رفتار پایه، سپس نتیجه‌ای مانند اخلال شدید در نظم عمومی یا خسارت عمده به اموال عمومی و خصوصی و سرانجام رابطه میان آن‌ها را احراز کند. همین ساختار، ماده را از جرائم صرفاً مطلق یا مبتنی بر خطر انتزاعی جدا می‌سازد. تحلیل‌های انجام‌شده درباره اخلال افسادمحور نیز نشان می‌دهد پس از تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، عنوان افساد در جرائم اقتصادی باید با شرایط ماده ۲۸۶ سنجیده شود و صرف ارجاع

معتبر استنباط شود. ادامه همکاری پس از هشدار روشن، پنهان‌سازی کسری، تنظیم اسناد خلاف واقع و افزایش جذب با وجود ناتوانی قطعی در ایفای تعهدات می‌تواند دلیل علم باشد. در مقابل، دسترسی محدود یا اعتماد موجه به گزارش رسمی ممکن است آن را منتفی کند. وضعیت هر عضو باید جداگانه سنجیده شود.

ضابطه هشتم، تفکیک عناوین مداخله است. مباشر، شریک، معاون، عضو و رهبر شبکه یکسان نیستند. ممکن است شخص در جرم پایه معاون باشد، ولی در ایجاد نتیجه سهمی مستقل داشته باشد؛ یا در عملیات شریک باشد، اما نتیجه افساد به سبب فقدان علم یا تأثیر به او مستند نشود. عنوان مداخله باید پس از تحلیل رفتار و سببیت تعیین گردد، نه با فرض اولیه شراکت همه اعضا در افساد. قانونی بودن نیز احراز عناصر خاص هر عنوان و تناسب پاسخ با درجه دخالت را اقتضا دارد (ابوالفضل‌چهره‌ای، ۱۳۹۹: ۱۱۲).

ضابطه نهم، استاندارد اثبات متناسب با کیفر است. کارشناس می‌تواند مسیر وجوه و سهم عملیاتی واحدها را روشن کند، اما تشخیص استناد عرفی و قانونی با دادگاه است. حکم باید مبنای پذیرش نظر کارشناسی و پاسخ به سناریوهای رقیب را بیان کند. در مورد افساد فی‌الارض، صرف تردید ابتدایی برای نفی عنوان حدی کافی نیست؛ اما اگر پس از انجام تحقیقات و ارزیابی ادله، یکی از ارکان جرم یا شرایط مسئولیت، از جمله نتیجه شدید، سهم مؤثر یا علم شخصی متهم، همچنان احراز نشود، اعمال عنوان حدی بر آن مبنا امکان‌پذیر نخواهد بود و حسب مورد باید عنوان کیفری دیگری که عناصر آن اثبات شده است بررسی شود؛ هرچند مسئولیت تعزیری بر پایه عنوانی دیگر بررسی می‌شود. این تفکیک با اصل درء و احتیاط سازگار است.

در جمع‌بندی، انتساب نتیجه بر میزان وجوه، شمار اعضا یا رتبه سازمانی استوار نمی‌شود. باید نتیجه منصوص، رفتار شخصی، مشارکت مؤثر، تحقق همان خطر، اسباب مداخله‌گر، کنترل سازمانی، قصد یا علم، عنوان مداخله و استاندارد اثبات بررسی شود. دادگاه باید برای هر متهم جدولی از رفتار، نقش سازمانی، دانش، اثر اقتصادی و عوامل واسطه تنظیم کند و در رأی نشان

رابطه سازمانی یا حضور شخص در زنجیره عملیات اکتفا کند، بلکه باید میزان تأثیر رفتار او و قابلیت انتساب نتیجه به وی را به صورت مستقل احراز نماید؛ امری که با ضرورت پرهیز از توصیف موسع جرائم اقتصادی و رعایت اصل شخصی بودن مسؤولیت کیفری نیز هماهنگ است (صالحی و همکاران، ۱۴۰۴: ۱۲۹-۱۲۸). رابطه سببیت در این ماده دارای دو سطح مرتبط است. در سطح نخست باید ثابت شود مجموعه عملیات اقتصادی، نتیجه شدید مورد ادعا را ایجاد کرده است؛ برای مثال، خروج سازمان یافته منابع واقعا به خسارت عمده یا اخلاص شدید در نظم عمومی انجامیده است. در سطح دوم باید سهم رفتار متهم در تولید همان نتیجه بررسی شود. ممکن است رابطه میان فعالیت کل شبکه و بحران اقتصادی روشن باشد، اما رفتار عضو معین سهم مؤثری نداشته یا علم او تنها به یک تخلف محدود تعلق گرفته باشد. نتیجه در سطح شبکه، دلیل انتساب آن به فرد نیست. کاربرد فعل مفرد «هرکس» و لزوم احراز قصد یا علم در تبصره ماده نیز بر شخصی بودن این ارزیابی دلالت دارد.

در تعیین نتیجه باید از یکی انگاری «اخلاص در نظام اقتصادی» با «اخلاص شدید در نظم عمومی کشور» اجتناب شود. نخستین عبارت، در شمار قلمروهای رفتاری ماده آمده و دومی یکی از نتایج مشدد آن است. اگر هر اخلاص اقتصادی گسترده، خودبه خود اخلاص شدید در نظم عمومی تلقی شود، حلقه نتیجه و رابطه سببیت حذف و ماده به جرمی مطلق تبدیل خواهد شد. نتیجه باید نمود خارجی و قابل سنجش داشته باشد؛ مانند اختلال پایدار در دسترسی عمومی به منابع ضروری، فروپاشی مؤثر یک بخش مالی یا تحمیل خسارتی که با شاخص‌های عینی عمده محسوب شود. بررسی محدود برخی آراء منتشر شده نشان می‌دهد که در تفسیر مفهوم اخلاص، برداشت کاملاً یکنواختی مشاهده نمی‌شود؛ با این حال، برای دآوری قطعی درباره جهت گیری کلی رویه قضایی، بررسی مجموعه گسترده تری از آراء معتبر ضروری است (احمدزاده و همکاران، ۱۴۰۴: ۱۹).

تبصره ماده ۲۸۶ نیز رابطه‌ای میان نتیجه، سببیت و عنصر روانی برقرار می‌کند. قصد ایجاد نتیجه گسترده یا علم به مؤثر

به کلان بودن اخلاص، برای اعمال کیفر حدی کفایت ندارد (احمدزاده و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۸۱). در تبیین رابطه سببیت، توجه به مواد ۴۹۲ و ۴۹۳ قانون مجازات اسلامی اهمیت دارد. ماده ۴۹۲، استناد نتیجه به رفتار مرتکب را اعم از مباشرت، تسبیب یا اجتماع آن دو می‌داند و ماده ۴۹۳ نیز تصریح می‌کند که وجود فاصله زمانی میان رفتار و نتیجه، مانع تحقق مسؤولیت نیست و حکم ماده ۴۹۲ در کلیه جرائم جاری است. این رویکرد با دیدگاهی که در تحلیل اخلاص اقتصادی، میان رفتار اخلاص گر، نتیجه اقتصادی و آثار مشدد ناشی از آن تفکیک قائل می‌شود، هماهنگ است؛ زیرا صرف وقوع فعالیت اقتصادی غیرقانونی یا ایجاد زیان مالی، بدون احراز ارتباط آن با نتیجه شدید موضوع ماده ۲۸۶، برای انتساب افساد کافی نیست (جعفری مسلم و آقابابایی، ۱۴۰۰: ۳۲؛ نظام‌الملکی، ۱۴۰۳: ۲۸).

بر این اساس، در اخلاص‌های اقتصادی شبکه‌ای، فاصله زمانی میان طراحی سازوکار، جذب منابع، انتقال وجوه و پیدایش خسارت، به خودی خود رابطه سببیت را قطع نمی‌کند؛ اما وجود فاصله زمانی نیز جایگزین اثبات استناد عرفی نتیجه به رفتار شخص نمی‌شود. بنابراین، باید احراز شود که نتیجه واقع شده، ادامه متعارف همان خطری بوده است که رفتار مرتکب ایجاد یا تقویت کرده است. ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی نیز در وضعیت تعدد عوامل، میان حالتی که نتیجه به یکی از عوامل مستند است و حالتی که به همه عوامل انتساب دارد، تفکیک می‌کند و در فرض تفاوت اثرگذاری، مسؤولیت را به میزان تأثیر رفتار هر عامل مرتبط می‌سازد. این منطق با ضرورت تفکیک نقش اعضا، معاونان و مدیران شبکه اقتصادی سازگار است؛ زیرا سازمان یافتگی و ارتباط تشکیلاتی نباید موجب انتساب خودکار تمام نتیجه به همه اشخاص شود. در تحلیل جرائم اقتصادی سازمان یافته نیز بر ضرورت توجه به نقش واقعی اشخاص، میزان کنترل آنان بر فرایند مجرمانه و رابطه میان سازمان یافتگی و نتیجه تأکید شده است (رحیمی و همکاران، ۱۴۰۲: ۵۲؛ همان، ۱۴۰۲: ۷۲). هرچند ماده ۵۲۶ در باب دیات تنظیم شده و مستقیماً ناظر به تعیین مجازات حدی افساد فی الارض نیست، منطق آن می‌تواند به عنوان یک معیار تقنینی و تفسیری برای تحلیل اسباب متعدد در جرائم اقتصادی مورد استفاده قرار گیرد. بر این مبنا، دادگاه نمی‌تواند صرفاً به وجود

۴۹۷۰۰۲۲۵۹۰۰۹۹۷۰۹۲۰۱۳۹۲). این تفکیک در ماده ۲۸۶ باید یک گام فراتر رود: حتی عضوگیری نیز تنها زمانی نتیجه افساد را به عضو منتسب می‌کند که دامنه، استمرار و اثر آن در سازوکار کلان شبکه اثبات شود.

چالش سوم به معاونت مربوط است. مطابق ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی، ترغیب، تهدید، تطمیع یا تحریک دیگری، تهیه وسایل یا ارائه طریق ارتکاب جرم و نیز تسهیل وقوع جرم، از مصادیق معاونت محسوب می‌شود. تبصره این ماده نیز وحدت قصد و تقدم یا اقتران زمانی رفتار معاون با رفتار مرتکب اصلی را شرط تحقق معاونت دانسته و مقرر می‌کند چنانچه فاعل اصلی مرتکب جرم شدیدتری از مقصود معاون شود، مسؤولیت معاون به جرم خفیف‌تری محدود خواهد بود (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲، ماده ۱۲۶). این حکم با ضرورت تفکیک میان نقش مباشر، معاون و سایر عوامل مؤثر در جرائم اقتصادی سازمان‌یافته هماهنگ است؛ زیرا عنوان معاونت باید بر پایه رفتار مشخص، قصد مشترک و ارتباط واقعی کمک ارائه‌شده با جرم مورد نظر احراز شود، نه صرف ارتباط سازمانی یا حضور در ساختار شبکه (ابوالفضل چهره‌ای، ۱۳۹۹: ۱۱۲). بنابراین، در اخلاص اقتصادی شبکه‌ای، در اختیار گذاشتن حساب بانکی، ابزار فنی، اطلاعات یا امکانات اداری، به‌تنهایی برای انتساب نتیجه افساد کافی نیست. باید ثابت شود که معاون، با وحدت قصد و در زمان لازم، در ایجاد یا تسهیل همان خطر اقتصادی مؤثر مشارکت داشته و آگاهی یا قصد او دست‌کم رفتار و نتیجه‌ای را که موضوع انتساب قرار گرفته است، پوشش می‌دهد. اگر شخص فقط قصد کمک به یک رفتار محدود اقتصادی را داشته باشد و توسعه بعدی عملیات یا پیدایش نتیجه شدید خارج از قصد و آگاهی او باشد، با توجه به تبصره ماده ۱۲۶، نمی‌توان نتیجه افساد را بدون دلیل مستقل به وی منتسب کرد و مسؤولیت او باید در محدوده جرم مورد قصد یا کمک اثبات‌شده باقی بماند. این تفکیک با ضرورت پرهیز از توسعه موسع عنوان افساد و رعایت شخصی بودن مسؤولیت کیفری نیز سازگار است (نظام‌الملکی، ۱۴۰۳: ۱۶).

چالش چهارم به مسؤولیت سردسته مربوط است. ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی، سردستگی را در چارچوب گروه

بودن اقدامات، باید ناظر به همان مسیری باشد که در خارج تحقق یافته است. علم عمومی به نامشروع بودن فعالیت، جانشین علم به اثرگذاری رفتار در ایجاد خسارت عمده نمی‌شود. از منظر فقهی نیز عنوان حدی هنگامی قابل اعمال است که موضوع، استناد و شرایط شخصی مسؤولیت با دلیل اطمینان‌آور احراز شده باشد. در صورت تردید درباره پیوند رفتار فرد با نتیجه، اصل درء مانع جبران خلأ اثباتی از طریق شدت خسارت کلی پرونده است؛ هرچند اعمال عنوان تعزیری متناسب همچنان امکان‌پذیر خواهد بود (نظام‌الملکی، ۱۴۰۳: ۲۸).

۲-۲- خلأها و چالش‌های انتساب نتیجه به اعضا، معاونان و سردستانان شبکه اقتصادی

نخستین خلأ ماده ۲۸۶ آن است که درباره نتیجه تجمیعی و اسباب متعدد ضابطه خاصی ندارد. قانون مشخص نکرده است عضو شبکه در چه صورتی مسؤول کل نتیجه، بخشی از آن یا تنها جرم پایه خواهد بود. در شبکه‌ای که صدها عملیات کوچک به زیانی بزرگ منتهی شده است، آزمون ضرورت مطلق ممکن است نقش همه را نفی کند و فرض مسؤولیت جمعی نیز نتیجه را بدون اثبات شخصی به همگان سرایت دهد. راه میانه، احراز مشارکت مؤثر هر عضو در خطر مشترک است؛ اما شاخص‌هایی مانند مقدار سهم، دوام همکاری، امکان کنترل و آگاهی از مقیاس عملیات در متن قانون تصریح نشده‌اند.

چالش دوم، خلط عضویت با انتساب است. عضویت آگاهانه می‌تواند جرم مستقلی باشد یا قرینه‌ای بر سوءنیت محسوب شود، ولی ثابت نمی‌کند رفتار عضو سبب نتیجه افساد بوده است. در یکی از آراء منتشرشده درباره فعالیت شرکت‌های هرمی، میان صرف عضویت و انجام رفتار مؤثر، از جمله عضوگیری، تفکیک شده است؛ با این حال، این رأی به‌تنهایی برای ادعای وجود رویه قضایی یکنواخت کفایت نمی‌کند. بنابراین، از این رأی در مقاله صرفاً برای نشان دادن امکان تفکیک نقش‌ها استفاده می‌شود، نه برای اثبات یک قاعده عام در رویه قضایی. شعبه ۶۹ دادگاه تجدیدنظر تهران، تحقق بزه را منوط به احراز عضوگیری دانسته است (دادگاه تجدیدنظر استان تهران، شعبه ۶۹ دادنامه شماره

توضیح سهم هر فرد وارد حکم شود. ایرادهای موجود در توصیف جرائم اقتصادی، بر صلاحیت، ادله و نتیجه دادرسی اثر می‌گذارد و می‌تواند وصف افساد را پیش از تکمیل تحلیل سببیت بر پرونده تحمیل کند (صالحی و همکاران، ۱۴۰۴: ۱۲۹-۱۲۸).

۳-۲- ضوابط و الگوی پیشنهادی انتساب نتیجه افساد به مرتکب در اخلاص‌های اقتصادی شبکه‌ای

الگوی پیشنهادی از پنج مرحله پیوسته تشکیل می‌شود. مرحله نخست، «تعیین نتیجه منصوص» است. دادگاه باید نتیجه ماده ۲۸۶ را به طور دقیق نام‌گذاری و شاخص‌های شدت، عمده بودن و گستره آن را بیان کند. ارزش اسمی معاملات، شمار متهمان یا بازتاب رسانه‌ای، جایگزین اثبات نتیجه نمی‌شود. مرحله دوم، «بازسازی شبکه علی» است؛ بدین معنا که مسیر تصمیم، تأمین ابزار، اجرای عملیات، انتقال منافع و عوامل مداخله‌گر در یک توالی زمانی و کارکردی ترسیم گردد. این بازسازی باید نشان دهد نتیجه از کدام خطر و از تعامل کدام رفتارها پدید آمده است.

مرحله سوم، «آزمون سهم مؤثر شخص» است. برای هر متهم باید بررسی شود که رفتار او جزء کارکردی طرح مشترک بوده، ظرفیت تولید نتیجه را به نحو معنادار افزایش داده و نتیجه واقع شده از جنس خطر ایجاد شده به وسیله او بوده است. نقش‌های عادی، حاشیه‌ای یا انجام شده بدون آگاهی از طرح، از قلمرو افساد خارج می‌شوند. در اسباب هم‌زمان نیز لازم نیست رفتار هر شخص شرط انحصاری نتیجه باشد؛ مشارکت اساسی در سازوکار مشترک، مشروط به اثبات عرفی، می‌تواند کفایت کند.

مرحله چهارم، «آزمون کنترل و آگاهی» است. قدرت طراحی، صدور دستور، دسترسی به اطلاعات کلیدی، امکان توقف عملیات و انتفاع از استمرار شبکه، قرائن کنترل‌اند. این قرائن باید با قصد نتیجه گسترده یا علم به مؤثر بودن اقدامات همراه شوند. درباره معاون، محدوده قصد کمک و درباره سردهسته، رابطه هدایت او با خطر تحقق یافته جداگانه احراز می‌شود. هیچ عنوان سازمانی، بار اثبات عنصر روانی را از دوش دادستان برنمی‌دارد.

مجرمانه سازمان یافته مورد توجه قرار داده و تبصره دوم این ماده، تشکیل، طراحی، سازماندهی یا اداره گروه را از مصادیق سردهستگی دانسته است. با این حال، ماده مذکور درباره افساد فی‌الارض تصریح می‌کند که سردهسته تنها زمانی به مجازات مفسد فی‌الارض محکوم می‌شود که عنوان مفسد فی‌الارض بر او صدق کند (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲، ماده ۱۳۰ و تبصره ۲). بنابراین، صرف احراز جایگاه مدیریتی یا انتساب عنوان سردهستگی، مسؤولیت خودکار سردهسته نسبت به همه نتایج فعالیت اعضا را ایجاد نمی‌کند. این برداشت با دیدگاه‌هایی که سازمان یافتگی را تنها یکی از قرائن تشخیص نقش و میزان کنترل مرتکب می‌دانند، هماهنگ است؛ زیرا میان سردهسته واقعی، مدیر صوری و عضو دارای نقش محدود باید تفکیک شود (اسماعیلی و رکنی، ۱۴۰۴: ۱۱۵). از این رو، ابتدا باید تشکیل، طراحی یا اداره گروه و کنترل واقعی سردهسته بر سازوکار آن اثبات شود؛ سپس رابطه میان تصمیم‌ها و هدایت او با خطر تحقق یافته، نتیجه شدید و عنصر روانی افساد احراز گردد. در این زمینه، عنوان سردهستگی می‌تواند قرینه‌ای مهم بر کنترل سازمانی و آگاهی باشد، اما جایگزین اثبات رابطه سببیت، سهم مؤثر و شرایط شخصی عنوان افساد نمی‌شود (جمال‌الدینی و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۱).

بر این اساس، سردهسته‌ای که مدل اقتصادی زبان‌بار را طراحی کرده، مسیر جذب و انتقال منابع را کنترل نموده یا با وجود آگاهی از خطر، استمرار عملیات را هدایت کرده است، ممکن است نتیجه افساد به او مستند شود؛ اما این امر باید بر پایه ادله مشخص درباره نقش، کنترل، آگاهی و تأثیر رفتار او احراز گردد. بنابراین، ماده ۱۳۰ را نباید مجوز انتساب جمعی و بدون تفکیک نتیجه فعالیت شبکه به سردهسته تلقی کرد، بلکه باید آن را در پیوند با اصل شخصی بودن مسؤولیت کیفری و الزامات ماده ۲۸۶ تفسیر نمود.

مشکل دیگر، وابستگی شدید احراز سببیت به کارشناسی اقتصادی است. کارشناس ممکن است درباره میزان خسارت و مسیر وجوه اظهارنظر کند، اما تعیین استناد حقوقی و عنصر روانی در صلاحیت دادگاه است. آمیختن این دو حوزه گاه موجب می‌شود عباراتی مانند «نقش مؤثر مدیران» بدون

مرحله پنجم، «کنترل فقهی و اثباتی» است. دادگاه باید اسباب مستقل بعدی، امکان انتساب بخشی نتیجه و فرض‌های رقیب را بررسی کند. اگر دلیل تنها عضویت، انتفاع یا حضور در شبکه را ثابت کند، عنوان حدی قابل اعمال نیست. رأی باید برای هر شخص، رفتار، سهم علی، قرائن علم و نحوه رد سبب مستقل را جداگانه بیان کند. انتساب نتیجه نه بر جایگاه صوری بلکه بر ترکیب سهم علی، کنترل خطر و آگاهی شخص استوار است و دادگاه مکلف می‌شود مسیر استدلال را به‌گونه‌ای بیان کند که در مرحله فرجام قابل ارزیابی باشد. این الگو میان کارایی مقابله با شبکه‌های پیچیده و احتیاط در کیفر حدی تعادل برقرار می‌سازد؛ طراح یا هدایت‌کننده مؤثر پشت تقسیم کار پنهان نمی‌ماند و عضو یا معاون کم‌اثر نیز بار نتیجه‌ای را که عرفاً و قانوناً به او مستند نیست تحمل نمی‌کند.

نتیجه‌گیری

انتساب نتیجه افساد در اخلاص‌های اقتصادی شبکه‌ای را نمی‌توان از صرف گستردگی عملیات، کلان بودن خسارت، عضویت در شبکه یا جایگاه تشکیلاتی مرتکب استنتاج کرد. برآیند تحلیل انجام‌شده در این پژوهش نشان می‌دهد که ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی ساختاری نتیجه‌محور دارد و تحقق افساد در قلمرو اقتصادی، مستلزم اجتماع سه عنصر متمایز است: ارتکاب گسترده رفتار اخلاص‌گر، وقوع یکی از نتایج شدید و منصوص ماده و قابلیت استناد شخصی آن نتیجه به مرتکب. بنابراین، اثبات رابطه میان فعالیت کل شبکه و زیان اقتصادی، به‌تنهایی برای مسئولیت حدی هر عضو کافی نیست. بر مبنای قواعد فقه امامیه، مباشرت فیزیکی شرط انحصاری انتساب نیست و طراح یا هدایت‌کننده‌ای که سبب مؤثر و اقوی نتیجه را ایجاد کرده است، می‌تواند مسؤول شناخته شود. در مقابل، تسبیب نیز تنها هنگامی مسئولیت‌آور است که رفتار شخص در نظر عرف، سهمی واقعی و مؤثر در تولید خطر تحقق‌یافته داشته باشد. در اجتماع اسباب، وحدت طرح، میزان کنترل، استقلال واسطه‌ها، آگاهی از دامنه عملیات و تحقق همان خطر ایجادشده، معیارهای اصلی تشخیص استنادند. بر این اساس، الگوی مطلوب انتساب از پنج مرحله تشکیل می‌شود: تعیین دقیق نتیجه قانونی؛ بازسازی شبکه علی و عوامل مداخله‌گر؛ احراز سهم مؤثر رفتار هر متهم؛ سنجش کنترل سازمانی، قصد

یا علم به اثربخشی اقدامات؛ و اعمال کنترل فقهی - اثباتی متناسب با شدت کیفر. عضویت، معاونت یا سردستگی صرفاً قرینه است و نمی‌تواند جایگزین اثبات این مراحل شود. در نتیجه، «ضابطه پیشنهادی پژوهش» را می‌توان «انتساب عرفی شخصی‌شده بر پایه مشارکت مؤثر در خطر مشترک» دانست. بر اساس این ضابطه، طراح یا هدایت‌کننده شبکه تنها در صورتی می‌تواند در قلمرو عنوان افساد فی الارض قرار گیرد که نقش مؤثر او در ایجاد یا استمرار خطر تحقق‌یافته، رابطه رفتار با نتیجه شدید و علم یا قصد لازم برای عنوان مجرمانه احراز شود. در مقابل، عضویت، معاونت، انتفاع یا جایگاه سازمانی، بدون اثبات سهم علی و عنصر روانی شخصی، برای انتساب نتیجه کافی نیست. این ضابطه پیشنهادی می‌تواند میان ضرورت پاسخ‌گویی به سازمان‌دهندگان مؤثر جرائم اقتصادی و ضرورت فردی‌سازی مسئولیت کیفری تعادل برقرار کند. در مواردی که پس از رسیدگی و ارزیابی ادله، یکی از ارکان افساد یا شرایط مسئولیت شخصی متهم احراز نشود، توسعه عنوان حدی امکان‌پذیر نخواهد بود و باید حسب مورد، مسئولیت مرتکب در چارچوب عناوین کیفری دیگری که عناصر آن اثبات شده است بررسی شود.

ملاحظات اخلاقی: این پژوهش با رعایت اصول اخلاقی نگارش علمی انجام شده است. تمامی داده‌ها از منابع معتبر و عمومی جمع‌آوری شده و هیچ‌گونه اطلاعات محرمانه یا غیرمجاز استفاده نشده است. نویسندگان متعهد به رعایت صداقت علمی و اجتناب از هرگونه تحریف یا سوءاستفاده از داده‌ها بوده است.

تعارض منافع: نویسندگان اعلام می‌دارد که هیچ‌گونه تعارض منافی در ارتباط با نگارش این مقاله وجود ندارد. این پژوهش بدون هرگونه وابستگی مالی یا سازمانی انجام شده است.

سهم نویسندگان: این مقاله توسط اینجانب محسن فلکی نافچی دانشجوی مقطع دکتری رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد واحد شهرکرد نگارش شده و تمامی مراحل پژوهش، شامل طراحی، جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل و نگارش، به‌صورت مستقل انجام شده است. این پژوهش با هدایت استاد

اقتصادی کشور و ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی». پژوهش‌های حقوقی، (۴۷): ۳۳-۵۴.

- جمال‌الدینی، فاطمه؛ قاسمی، احمد و ساقیان، محمد مهدی (۱۴۰۳). «سیاست کیفری ایران در قبال افساد فی الارض در جرائم اقتصادی». مطالعات فقه و حقوق اسلامی، (۳۵): ۳۸۰-۳۳۴.

- حسینی‌نسب ویشکا، سیدمرتضی؛ گلخندان، سمیرا و قیوم‌زاده، محمود (۱۴۰۲). «بررسی فقهی حقوقی منع اخلاص در نظم و امنیت اقتصادی و مالی در پرتو مذاق شریعت و آیات قرآن». پژوهش‌های بازاریابی اسلامی، (۴): ۱-۱۳.

- خمینی، روح‌الله موسوی (بی‌تا). تحریر الوسیله. جلد دوم، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

- خویی، ابوالقاسم موسوی (۱۴۲۲ ق). مبانی تکملة المنهاج. جلد دوم، قم: مؤسسه احیای آثار امام خویی.

- رحیمی، محمد مهدی؛ خواجه‌پور، کمال و منصوری، سید مهدی (۱۴۰۲). «بررسی فقهی حقوقی افساد فی الارض و مصادیق آن در جرائم اقتصادی». مطالعات فقه اقتصادی، (۳): ۴۸-۴۴.

- رحیمی، محمد مهدی؛ خواجه‌پور، کمال و منصوری، سید مهدی (۱۴۰۲). «سازمان‌یافتگی؛ معیار مغفول جرم قاچاق کالا و افساد فی الارض». فقه جزای تطبیقی، (۱۰): ۶۲-۷۵.

- رستمی، رامین؛ جمادی، علی؛ بابایی، داریوش و جعفری، مهران (۱۴۰۱). «بررسی فقهی - حقوقی جرم اخلاص در نظم اقتصادی با تأکید بر افساد فی الارض». فقه جزای تطبیقی، (۶): ۲۸-۳۶.

- ریاضت، زینب و احمدی‌ناطور، زهرا (۱۴۰۳). «چالش‌های مواجهه با جرائم اقتصادی در حقوق کیفری ایران با تأکید بر رویه قضایی». پژوهش‌های حقوق مالی و اقتصادی، (۲): ۲۲۷-۲۵۸.

- شکری بسطام، صفیه (۱۳۹۳). جرائم افساد اقتصادی، مبانی، مصادیق و مجازات آن از منظر فقه و حقوق موضوعه. پایان‌نامه

محترم گروه حقوق، جناب آقای دکتر سید کریم صالحی تدوین شده است.

تشکر و قدردانی: از حمایت‌های معنوی خانواده و دوستان در فرآیند نگارش این مقاله و همچنین، از اساتید و پژوهشگرانی که با آثار خود زمینه‌ساز این مطالعه شدند، سپاسگزارم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون حمایت مالی از سوی هیچ نهاد یا سازمانی انجام شده است. تمامی هزینه‌های مرتبط با مطالعه توسط نویسنده تأمین شده است.

منابع و مأخذ

- ابوالفضل‌چهره‌ای، امید (۱۳۹۹). مفهوم و ماهیت فقهی و حقوقی جرائم حدی علیه امنیت و حاکمیت: محاربه، افساد فی الارض و بغی. تهران: کتاب آوا.

- احمدزاده، رسول؛ صابر، محمود و موسوی‌مجاب، سیددرد (۱۴۰۳). «اخلاص افساد فی الارض محور در نظام اقتصادی کشور». مجلس و راهبرد، ۳۱(۱۲۰): ۱۷۹-۲۰۴.

- احمدزاده، رسول؛ موسوی‌مجاب، سیددرد و صابر، محمود (۱۴۰۴). «تفاسیر قضایی از مفهوم و مصادیق اخلاص در نظام اقتصادی کشور». دیدگاه‌های حقوق قضایی، (۱۰۹): ۱-۲۷.

- اداره کل حقوقی قوه قضاییه (۱۳۹۳). نظریه مشورتی شماره ۳۲۰۳/۹۳/۷ مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۱۷، درباره نسبت مواد ۱۲۰ و ۱۲۱ قانون مجازات اسلامی.

- اسدی، علی؛ زارع‌مهرجردی، علی و صدیقیان، امیرمحمد (۱۴۰۱). «آثار تسری افساد فی الارض به جرائم اقتصادی با تکیه بر ویژگی‌های خاص این جرائم». تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، (۵۱): ۱۲۷-۱۴۹.

- اسماعیلی، مصطفی و رکنی، امیرعباس (۱۴۰۴). «بازشناسی و تبیین آثار جرائم سازمان‌یافته اقتصادی بر بعد اجتماعی انتظام و امنیت داخلی». امنیت ملی، (۵۶): ۱۰۹-۱۳۸.

- جعفری‌مسلم، مجتبی و آقابابایی، عظیم (۱۴۰۰). «جرم اخلاص کلان در نظام اقتصادی در قانون اخلاص‌گران در نظام

کارشناسی ارشد، دانشگاه قم، دانشکده الهیات و معارف اسلامی.

- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی عاملی (۱۴۱۴ق). *مسالك الألفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام*. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة.

- صالحی، محمدخلیل؛ فتحی، مرتضی و خادم، سمیرا. (۱۴۰۴). «اثرسنجی ایرادات توصیف جرائم اقتصادی بر دادرسی افتراقی آن در پرتو آراء قضایی». *دیدگاه‌های حقوق قضایی*، (۱۱۱): ۱۱۹-۱۴۶.

- *قانون مجازات اسلامی* (۱۳۹۲). مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ مجلس شورای اسلامی، با اصلاحات و الحاقات بعدی.

- مجاهد، محمدابراهیم (۱۴۰۱). «ابهام‌زدایی از جرم‌انگاری حد افساد فی الارض با تکیه بر مبانی و مصادیق فقهی و حقوقی». *فقه و حقوق معاصر*، ۸(۱۹): ۲۲۷-۲۴۸.

- محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق). *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام*. جلد چهارم، قم: مؤسسه اسماعیلیان.

- نجفی، محمدحسن. (۱۴۰۴ق). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*. جلد چهل و سوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

- نظام‌الملکی، جعفر (۱۴۰۳). «تحلیل و آسیب‌شناسی ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی و راهکارهای تفسیری و اصلاحی آن». *پژوهش حقوق کیفری*، (۴۶): ۵-۳۴.